

رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها

دکتر سید حسین علوی طبری*

دکتر روح‌اله رجیبی**

منصوره شهبازی***

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۱

چکیده

نظام راهبری شرکتها مجموعه‌ای از فرایندها و ساختارهایی است که با استفاده از ساز و کارهای درون سازمانی و برون سازمانی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحدهای تجاری است. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که آیا نظام راهبری شرکتها در ایران با میزان حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معنی‌داری دارد یا خیر و اینکه چنین رابطه‌ای در چه جهتی است. بدین منظور ۲۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۷ به عنوان نمونه انتخاب شد و رابطه ده عامل شناخته شده نظام راهبری شرکتها با توجه به مبانی نظری، ادبیات و منابع اطلاعاتی موجود با حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی است که از ده عامل پیشگفته، دو عامل درصد مالکیت نهادهای

* دانشیار دانشگاه الزهرا

** استادیار دانشگاه صنعت نفت

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه الزهرا

نویسنده مسئول مقاله: منصوره شهبازی. (E-mail:- Shahbazi.161@gmail.com)

دولتی و شبه دولتی و نوع حسابرس با حق‌الزحمه حسابرسی مستقل رابطه مستقیم و معنی‌دار دارد.

واژه‌های کلیدی: نظام راهبری شرکتهای، نسبت مدیران غیرموظف، حق‌الزحمه حسابرسی

مقدمه

اواخر دهه نود و اوایل هزاره جدید، جهان شاهد بحرانها و رسوایی دو کمپانی غول‌آسای انرون و وردکام و دیگر شرکتهای کوچکتر بود. وقوع این رسواییهای مالی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسان این شرکتهای شد. پیامد این نگرانیها به شکل تغییرات بنیادین و گسترده در حوزه نظارت بر شرکتهای و بازار سرمایه نمود یافت که از آن جمله می‌توان به تفکر تقویت ساختار نظام راهبری شرکتهای و قوانین و مقررات اشاره کرد (بولو، ۱۳۸۷). بررسی علتها و شرایط وقوع فروپاشیها مشخص کرده است که در موارد نبود نظارت بر مدیریت، حاکمیت ناقص سهامداران بر چگونگی اداره کارها و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه مساعدی برای سوء استفاده آنان فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین وضعیتی مستلزم اشراف صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر هیئت مدیره و حسابرسی منظم شرکتهاست که در مجموع تحت عنوان نظام راهبری شرکت شناخته می‌شود (بنویدی، ۱۳۸۵).

نظام راهبری شرکتهای^۱ مبحثی چندحوزه‌ای^۲ است که در دامنه علوم مختلفی چون حقوق، اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم سیاسی مورد توجه است و کاربردی تخصصی دارد. این موضوع و گستردگی آن یکی از دلایل وجود تعاریف متعدد و گوناگون است که توسط افراد، مؤسسات ملی و بین‌المللی و متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف ارائه شده است (رهبری خرازی، ۱۳۸۵).

در نگاهی کلی، نظام راهبری شرکتهای را می‌توان مجموعه‌ای از فرایندها و ساختارهایی دانست که با استفاده از ساز و کارهای درون‌سازمانی نظیر هیئت مدیره، کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز ساز

و کارهای برون‌سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام حقوقی، نظارت بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، حسابرسان مستقل و مؤسسات رتبه‌بندی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذینفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است. در این تعریف، تأثیر دو دسته عوامل در چارچوب نظام راهبری شرکتها قابل تمایز است: ساختار مالکیت و اعضای هیئت مدیره از اصلیت‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل داخلی هستند. میزان جریان سرمایه از بیرون به درون، چارچوبهای قانونی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها و سرمایه‌گذاران نهادی برونمرزی نیز برخی عوامل بیرونی تأثیرگذار بر نظام راهبری است (عزیززاده، ۱۳۸۷).

پیش‌بینی می‌شود نظام راهبری و ساز و کارهای آن به کاهش ریسک حسابرسی منجر شود؛ و حسابرسان خواهند توانست به ارزیابی کیفیت راهبری اعمال شده در واحدهای تجاری پردازند (حساس بگانه و معیری، ۱۳۸۷). نظام راهبری به عنوان مجموعه‌ای از کنترل‌های داخلی و خارجی می‌تواند از طریق کاهش ریسک گزارشگری نامطلوب و اقدامات متقابلانه به اثربخشی و کارایی فرایند حسابرسی کمک قابل توجهی بکند. در واقع نظام راهبری بالقوه می‌تواند از حجم کار حسابرسی و ریسک آن بکاهد. بنابراین انتظار می‌رود که وجود نظام راهبری مناسب بتواند از طریق اثر بر اندازه، ریسک و پیچیدگی واحد مورد حسابرسی بر تقاضا برای حسابرسی مستقل واحد مورد حسابرسی اثرگذار باشد (شهبازی، ۱۳۸۸). این پژوهش سعی دارد به بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری بر قیمتگذاری خدمات حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و به عبارت دیگر به شناسایی سازوکارهای راهبری تأثیرگذار بر حق‌الزحمه حسابرسی مستقل در ایران پردازد.

مروری بر پیشینه پژوهش

مرور پژوهشهای انجام شده مشخص می‌کند که در خصوص رابطه حق‌الزحمه حسابرسی مستقل و ساز و کارهای راهبری شرکتها در ادبیات دو دیدگاه وجود رابطه

جانشینی و مکمل مطرح است: دیدگاه جانشینی بر این دلالت دارد که منابع جایگزینی کنترلی، رابطه معکوسی با حق الزحمه حسابرسی مستقل دارد. این فرضیه به طور ضمنی بر سناریوی متشکل از تصمیم گیرنده فردی مبتنی است که ریسک کل سامانه را حداقل می کند و می تواند همه تصمیمات مربوط را کنترل کند. در این حالت در واقع تصمیم گیرنده فردی می تواند نوعی بده و بستان^۳ بین ساز و کارهای کنترلی در سازمان انجام دهد به طوری که چنانچه یکی از آنها تقویت شود، دیگری ضعیف می شود. طبق دیدگاه رابطه جانشینی، بیشتر مطالعات قبلی، که روابط بین حسابرسی مستقل و دیگر منابع کنترلی (نظیر حسابرسی داخلی) را بررسی کرده اند بر این فرض استوار بوده اند که گرفتن تصمیم در مورد کاهش ریسک به جابه جایی بالقوه بین یک کنترل با کنترل دیگر منجر می شود. بنابراین منطقی است که وجود ساز و کارهای راهبری از جمله کنترل داخلی به حق الزحمه های حسابرسی کمتری منجر گردد (هی و سایرین^۴ ۲۰۰۸). از سوی دیگر خطور فکری برخی از پژوهشهای پیشین در خصوص نظام راهبری بیانگر این است که ممکن است بین کنترلها، رابطه مکمل باشد که به خاطر سهامداران چند گونه و لحاظ کردن منافع و مخارج در تصمیمات فردی رخ دهد، مثلاً شرکتی که سهامدارانش در پی بهبود کنترلها و ساز و کارهای راهبری هستند، باید با هیئت مدیره مستقلتری کار کنند در حالی که این مدیران به دنبال حفظ منافع سرمایه گذاران دیگر هستند و به دنبال حمایت از اعتبار خودشان نیز می روند و بنابراین به سوی تقاضای بیشتر برای حسابرسی مستقل فراتر از عملیات حسابرسی داخلی می روند. در نتیجه می توان گفت طبق دیدگاه وجود رابطه مکمل، ساز و کارهای راهبری قویتر و بهتر بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد و تقاضا برای راهبری قویتر شرکت را ملزم می کند در کنار سایر موارد، منابع با کیفیت تری برای حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی فراهم کند (هی و دیگران، ۲۰۰۸).

به صورت خلاصه می توان گفت تاکنون شواهد تجربی قابل اتکا و سازگاری در خصوص رابطه ساز و کارهای راهبری و حسابرسی به دست نیامده است. مهمترین ساز و کارهای راهبری مورد مطالعه در این پژوهشها شامل نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره

(معیاری برای اندازه‌گیری استقلال هیئت مدیره)، تعداد اعضای هیئت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی، تفکیک مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره، میزان سهام در دست سهامداران خرد، حمایت‌های قانونی از حقوق سهامداران و دیگر عوامل است.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در چارچوب دو دیدگاه مطرح شده قابل طبقه‌بندی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. طبق دیدگاه وجود رابطه جانشینی، منابع کنترلی می‌تواند جایگزینی برای یکدیگر باشد. پژوهش‌های انجام شده در این خصوص بیان می‌کنند نظام راهبری بهتر، ریسک کنترل را کاهش می‌دهد و گزارشگری با کیفیت‌تر را تضمین می‌کند که در نتیجه، ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه آن کاهش می‌یابد (کوهن و هانو، ۲۰۰۰). والاس (۱۹۸۴) به رابطه معکوسی بین هزینه حسابرسی داخلی و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل در پژوهشی روی ۳۲ شرکت بزرگ امریکایی دست یافت. کوهن و هانو (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که راهبری شرکت قویتر حساب‌برسان را قادر می‌کند آزمون‌های محتوا و رسیدگی‌های خود را کاهش دهند.

تسو و دیگران^۷ (۲۰۰۱) ارتباط بین سازوکارهای کنترلی و نظارت داخلی بنگاه و اثر آن را بر حق‌الزحمه حسابرسی بررسی کردند. آنها با بررسی ۶۵۰ شرکت هنگ‌کنگی طی سه سال ۱۹۹۴-۱۹۹۶ به این نتیجه رسیدند که وجود هیئت مدیره مستقل به طور معنی‌داری با حق‌الزحمه کم حسابرسی رابطه دارد و این نشان می‌دهد هیئت مدیره شرکت به عنوان سازوکار درون سازمانی نظام راهبری، اثر معنی‌داری بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسی دارد. بدارد و جان‌استون^۸ (۲۰۰۴) در بخشی از پژوهش خود در مورد رابطه بین ریسک نظام راهبری با برنامه‌ریزی قیمت‌گذاری حساب‌برسان مستقل، مشاهده کردند که با وجود رفتارهای نامناسب مدیریت در گزارشگری مالی، که به صورت ریسک راهبری شرکت در نظر گرفته شده بود، ساعات کار حسابرسی و نرخ حق‌الزحمه آن افزایش یافت؛ به عبارت دیگر با افزایش ریسک راهبری (وجود سازوکارهای نامناسب) حق‌الزحمه حسابرسی، افزایش یافت.

در مطالعه‌ای دیگر، گریفن و دیگران^۸ (۲۰۰۸) به بررسی و آزمون چارچوب اقتصادی تبیین‌کننده رابطه بین نظام راهبری شرکتها و حقالزحمه حسابرسی در شرکتهای امریکایی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد راهبری بهتر، هزینه حسابرسی را کاهش می‌دهد. آنان اعتقاد دارند این رابطه از این جهت روی می‌دهد که ایجاد نظام راهبری بهتر به کیفیت بهتر صورتهای مالی و کنترلهای داخلی قوی‌تر می‌انجامد و این موضوع حساب‌برسان را قادر می‌سازد قیمت ریسک حسابرسی و در نتیجه حقالزحمه حسابرسی را کاهش دهند.

در مقابل، نتایج پژوهشهای دیگر، مطابق دیدگاه وجود رابطه مکمل است. این دیدگاه مبین این است که مسئولیتهای حرفه‌ای و قانونی اعضای هیئت مدیره با نیاز آنان به ارتباط مستقیم با محیط داخلی ترکیب شده و ممکن است موجب افزایش تقاضا برای حسابرسی مستقل شود؛ چون آنها انتظار دارند اعتبار و شهرتشان حفظ شود. کارسلو و دیگران^۹ (۲۰۰۲) رابطه مستقیمی بین تعداد مدیران غیرموظف و حقالزحمه پرداختی به حساب‌برسان در ایالات متحده مشاهده کردند. سالیوان^{۱۱} (۲۰۰۰) به این نتیجه رسید که حقالزحمه‌های حسابرسی با درصد سهام در کنترل مدیران اجرایی رابطه مستقیمی دارد.

فان و وانگ^{۱۲} (۲۰۰۳) در بازارهای نوظهور آسیای شرقی به بررسی تأثیر حساب‌برسان مستقل به عنوان سازوکار کنترلی و نظارت‌کننده (نقش نظام راهبری) به منظور کم کردن تضاد منافع ناشی از مشکل نمایندگی پرداختند. آنها نشان دادند که حساب‌برسان مستقل نقش راهبری را در شرکتهای آسیای شرقی ایفا می‌کنند. در انتخاب حساب‌برس، این پژوهشگران دریافتند زمانی که ساختار مالکیت شرکتهای متضمن هزینه‌های نمایندگی است، تمایل به خدمت گرفتن حساب‌برسان جز پنج مؤسسه بزرگ حسابرسی بیشتر است. به علاوه در شرکتهای آسیای شرقی، که هزینه‌های نمایندگی وجود دارد، حقالزحمه حسابرسی مؤسسه‌های جز پنج مؤسسه بزرگ بیشتر بود. با این شواهد، آنها نتیجه گرفتند که پنج مؤسسه بزرگ حسابرسی در بازارهای نوظهور آسیای شرقی نقش راهبری شرکت را دارند. ایت و دیگران^{۱۳} (۲۰۰۵) به بررسی اثر کمیته حسابرسی با ویژگی راهبری قوی بر برون سپاری وظایف حساب‌برس داخلی به حساب‌برسان مستقل پرداختند. آنها گزارش کردند در

شرکتهایی که کمیته حسابرسی با ویژگی راهبری قوی وجود دارد، حسابرسان داخلی به برون سپاری فعالیتهای روزمره خود به حسابرسان مستقل تمایل کمتری داشتند. اختیارات کمیته حسابرسی به منظور اخراج مدیر حسابرسی داخلی این تأثیر را تقویت می‌کند. هی و دیگران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای روی ۱۳۰ نمونه از شرکتهای پذیرفته شده در بورس نیوزلند طی سالها ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ نشان دادند که کنترلها و راهبری شرکت قویتر به طور مثبتی با تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل در ارتباط است. الگوی کلی نتایج پژوهش آنها از این نظریه پیروی می‌کند که رابطه‌ای مثبت و پیچیده میان عناصر مختلف کنترلی هست که این به دلیل وجود روابط بین ذی‌نفعان شرکت، ماهیت ریسک مربوط و کنترلهای در دسترس است.

در پژوهشهای داخلی، رهبری خرازی (۱۳۸۳) طی مطالعه خود به بررسی میزان رعایت حقوق سهامداران در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی بود که در وضعیت پژوهش، اجزای حقوق سهامداران به طور عام رعایت نشده است و کاستیهای فراوانی در این زمینه هست. حساس‌یگانه و علوی طبری (۱۳۸۳)، در پژوهشی رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل را مطالعه کردند. هدف پژوهش آنان شناسایی تأثیر وجود حسابرسی داخلی در کاهش حق‌الزحمه حسابرسی مستقل بنگاه اقتصادی و بررسی مفید بودن حسابرسان داخلی به عنوان جانشین حسابرسان مستقل بود. نتایج نشان داد حق‌الزحمه حسابرسی مستقل با پیچیدگی بنگاه اقتصادی مرتبط بوده؛ به طوری که افزایش منابع صرف شده برای بخش حسابرسی داخلی بنگاه موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شده است و این کاهش در بنگاه‌های اقتصادی، که حسابرسان داخلی به سطوح بالاتر از معاون مالی و اداری گزارش می‌کردند، بیشتر بوده است.

در پژوهش دیگر در مورد حق‌الزحمه حسابرسی، رجبی و محمدی خشوئی (۱۳۸۷)، به بررسی رابطه هزینه‌های نمایندگی و قیمتگذاری خدمات حسابرسی در ایران پرداختند. آنها شش متغیر نسبت کل بدهیها به مجموع داراییها، نسبت اعضای غیرموظف هیئت

مدیره به کل، درصد سهم اولین سهامدار عمده، درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی، تعداد کارکنان و اصلی و فرعی بودن واحد مورد رسیدگی حسابرسی را به عنوان شاخصهای هزینه‌های نمایندگی به کار گرفتند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های نمایندگی و قیمتگذاری خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار هست.

همان‌طور که اشاره شد، نتایج پژوهشهای انجام شده در خصوص رابطه ساز و کارهای نظام راهبری و حسابرسی مستقل، متفاوت، و طبق دو دیدگاه متضاد، رابطه جانشینی و مکمل به دست آمده است. در این پژوهش رابطه برخی ساز و کارهای نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل در شرکتهای ایرانی بررسی می‌شود. بدین منظور ساز و کارهای نظام راهبری طبق مرور پژوهشهای پیشین و مبانی نظری موجود استخراج شده است.

متغیرهای پژوهش

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه قیمتگذاری خدمات حسابرسی نشان می‌دهد عوامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی با استفاده از عوامل اثرگذار بر حجم کار حسابرسی به عنوان محرک حق الزحمه خدمات حسابرسی تعیین شده است (رجبی و محمدی خشویی، ۱۳۸۷).

در این پژوهش مطابق با پژوهشهای پیشین انجام شده توسط رجبی و محمدی (۱۳۸۷) و هی و دیگران (۲۰۰۸)، شش متغیر ۱- اندازه شرکت ۲- پیچیدگی شرکت مورد رسیدگی ۳- ریسک حسابرسی ۴- نسبت جاری شرکت ۵- پایان سال مالی شرکت ۶- تغییر اخیر در مؤسسه حسابرسی به عنوان عوامل عمومی اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی به کار گرفته شده است. ساز و کارهای نظام راهبری نیز، که در این مطالعه به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است، شامل ده متغیر ۱- اندازه هیئت مدیره ۲- نسبت مدیران غیرموظف ۳- درصد مالکیت سهامدار عمده ۴- میزان سهام شناور آزاد ۵-

درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی ۶- تسهیلات دریافتی از بانکها ۷- نوع اظهار نظر حسابرس ۸- نوع حسابرس ۹- میزان افشای معامله با اشخاص وابسته ۱۰- پرداخت بموقع سود سهام توسط شرکت است. این ویژگیها مبنای نظری دارد و در مطالعات پیشین به عنوان ساز و کارهای نظام راهبری استفاده شده است. برخی از این متغیرها و انتظار نظری از اثرگذاری آنها بر حق الزحمه حسابرسی در ادامه تشریح می شود.

اندازه هیئت مدیره

هیئت مدیره در نظام راهبری شرکت عنصری مهم است. هدف اصلی نظام راهبری، اطمینان دادن به سهامداران در این مورد است که مدیریت، ارزش سرمایه گذارهای آنها را افزایش می دهد. به عقیده تریکر^{۱۴} در خصوص ترکیب هیئت مدیره چهار ویژگی وجود دارد: ۱- هیئت مدیره باید دارای تنوع باشد. ۲- هیئت مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا کاردانی و صلاحیتی را به دست بیاورد که خاص این وظیفه باشد. ۳- هیئت مدیره باید دارای تصدی باشد. ۴- اعضای هیئت مدیره باید با تجربه باشد (مجتهدزاده و دیگران، ۱۳۸۷).

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل

نظام راهبری شرکتها توسط اعضای هیئت مدیره به اجرا در می آید. اعضای غیرموظف هیئت مدیره، که از مدیریت مستقلند، مسئولیت اولیه نظارت بر عملکرد مدیریت را بر عهده دارند. طبق دیدگاه رابطه جانشینی، وجود تعداد زیادی از مدیران غیرموظف و کمیته حسابرسی ممکن است باعث کاهش نیاز به حسابرسی مستقل شود؛ چرا که نظارت دقیقتر از سوی خود هیئت مدیره اعمال می شود. اما در رابطه مکمل، مسئولیتهای حرفه‌ای و قانونی اعضای حرفه‌ای هیئت مدیره با نیاز آنان به ارتباط مستقیم با محیط داخلی ترکیب می شود و ممکن است موجب افزایش تقاضا برای حسابرسی مستقل گردد؛ چون آنها انتظار دارند اعتبار و شهرتشان حفظ شود (هی و دیگران، ۲۰۰۸).

درصد مالکیت سهامدار عمده

سهامدار عمده، که فعالانه درگیر عملیات و تصمیم‌گیری در شرکت است، ممکن است بر کنترل داخلی و فعالیتهای شرکت کنترل داشته باشد. بنابراین باعث کاهش حجم رسیدگیهای حسابرس و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی مستقل شود. از سوی دیگر، هر سهامدار عمده غیرموظف ممکن است از این تأثیر برای افزایش حسابرسی مستقل به منظور جبران کمبود کنترلهای وی بر دیگر تصمیمات داخلی استفاده کند (هیو دیگران، ۲۰۰۸).

میزان سهام شناور آزاد (سهام در دست سهامداران خرد)

یکی از ساز و کارهای برونسازمانی نظام راهبری، نظارت سهامداران اقلیت است که معیار سنجش آن میزان سهام در دست این سهامداران است. نظارت سهامداران اقلیت، احترام به حقوق آنان و بیانگر مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت است (حساس یگانه، ۱۳۸۵). سهامداران اقلیت به منظور پوشش دادن منافع خود در مقابل قدرت سهامدار عمده، از ابزار حسابرسی مستقل استفاده می‌کنند و به این ترتیب می‌توان گفت آنان باعث افزایش تقاضا برای حسابرسی مستقل می‌شوند (هی و دیگران، ۲۰۰۸).

درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی

به دلیل ساختار دولتی اقتصاد کشور ما و هم‌چنین نقشی که دولت به عنوان سهامدار در بسیاری از شرکتها بر عهده گرفته است، الگوی ویژه‌ای از نظام راهبری شرکتها به وجود آورده است. نقش دولت در این الگوی خاص از راهبری به دلیل مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاستهای مالکیتی آن، نوعی کنترل بر فعالیت شرکتها با سهامداری دولت و نهادهای دولتی را فراهم آورده است که انتظار می‌رود این کنترل بتواند از پیچیدگیهای عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. بنابراین، این احتمال هست که کاهش در پیچیدگیهای عملیاتی هر واحد اقتصادی

موجب کاهش در حق الزحمه خدمات حسابرسی شود (رجبی و محمدی خوشوئی، ۱۳۸۷).

نوع حسابرِس

سازمان حسابرسی در ایران به عنوان یک مؤسسه حسابرسی دولتی به نسبت سایر مؤسسات حسابرسی از حجم صاحبکاران بیشتری برخوردار است. این سازمان به دلیل ساختار دولتی و انتخاب غیراختیاری در پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه‌ای از حاشیه امنیتی برخوردار است که توانسته در عرصه رقابت با سایر مؤسسات غیردولتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد.

میزان افشای معامله با اشخاص وابسته و پرداخت بموقع سود سهام توسط شرکت

از دیگر ساز و کارهای برونسازمانی نظام راهبری، نظارت قانونی است که شامل تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب است. نظارت قانونی براساس مفاد قانون تجارت و در برخی از موارد سایر قوانین وضع شده (حساس‌یگانه، ۱۳۸۵). در این پژوهش از مفاد ماده ۱۲۹ قانون تجارت، موضوع افشای معامله با اشخاص وابسته و مفاد ماده ۲۴۰ قانون یاد شده موضوع پرداخت سود سهام حداکثر تا هشت ماه پس از تصویب مجمع به منظور تعیین رعایت آن توسط شرکتها به عنوان معیارهای نظارت قانونی بر شرکت استفاده شده است.

فرضیه‌های پژوهش

با مرور ادبیات و پیشینه پژوهش، این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال است که آیا ساز و کارهای شناخته شده نظام راهبری با حق الزحمه حسابرسی مستقل در شرکتهای ایرانی رابطه دارد یا خیر. به دنبال پاسخ سؤال پژوهش، فرضیه‌های ذیل تبیین شد:

فرضیه اصلی پژوهش این است که بین ساز و کارهای راهبری شرکتها با حق الزحمه خدمات حسابرسی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه‌ای معنی-دار هست. برای آزمون فرضیه اصلی به ازای هر یک از ده متغیر مستقل پژوهش، یک فرضیه به شرح جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. فرضیه‌های فرعی پژوهش

فرضیه	شرح
(۱)	بین اندازه هیئت مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی مستقل، رابطه معناداری وجود دارد.
(۲)	بین نسبت مدیران غیرموظف و حق الزحمه خدمات حسابرسی مستقل رابطه معناداری هست.
(۳)	بین درصد مالکیت سهامدار عمده و حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری وجود دارد.
(۴)	بین میزان سهام شناور آزاد و حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری هست.
(۵)	بین درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی و حق الزحمه خدمات حسابرسی مستقل رابطه معناداری هست.
(۶)	بین تسهیلات دریافتی از بانکها و حق الزحمه خدمات حسابرسی مستقل رابطه معناداری وجود دارد.
(۷)	بین نوع اظهار نظر حسابرس و حق الزحمه خدمات حسابرسی مستقل رابطه معناداری وجود دارد.
(۸)	بین نوع حسابرس و حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری هست.
(۹)	بین افشای معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری وجود دارد.
(۱۰)	بین پرداخت بموقع سود سهام و حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری هست.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب روش از نوع توصیفی است. از میان پژوهشهای توصیفی از نوع پژوهش همبستگی است. در این پژوهش به بررسی رابطه خطی بین ساز و کارهای نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی با استفاده از اعداد و ارقام صورتهای مالی شرکتها و سایر منابع اطلاعاتی پرداخته شده است. اطلاعات مربوط به

متغیرهای مستقل پژوهش از منابع مختلفی چون ۱- صورتهای مالی حسابرسی شده شرکتها ۲- پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بورس اوراق بهادار تهران ۳- گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکتها برای سال مالی ۱۳۸۷ به دست آمده است. به منظور پرهیز از اثر عوامل مربوط به تفاوت سالهای مختلف در الگو و وجود حجم نمونه قابل انتخاب از یک سال مالی در چارچوب شرایط زیر از اطلاعات یک سال مالی استفاده شده است. اطلاعات مربوط به حوالزحمه حسابرسی مالی شرکتها از طریق مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی گردآوری شده است.

جامعه آماری پژوهش، شرکتهایی است که از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

۱) عضویت در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۷ (شرکتهایی که در سال ۱۳۸۷ در تالار اصلی و فرعی بورس حضور داشته‌اند و نماد معاملاتی آنها متوقف نبوده است).

۲) شرکتهای سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانکها و واسطه‌های مالی به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت آنها در دامنه بررسی این پژوهش قرار ندارند.

با توجه به شرایط یادشده، ۲۰۱ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب، و داده‌های مورد نیاز استخراج شده است.

به منظور آزمون فرضیه‌های آماری و تحلیل داده‌ها از رگرسیون خطی چندگانه به روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. آزمون فرضیه‌های آماری، ابتدا الگوی رگرسیون مربوط برآورد شده، و سپس به منظور آزمون معنی‌دار بودن الگو از آماره F و برای آزمون معنی‌دار بودن ضرایب رگرسیون از آماره t استفاده شده است. به منظور آزمون برقراری پیش فرضیه‌های کلاسیک الگوهای رگرسیون (عادی بودن توزیع اندازه‌های باقیمانده^{۱۵}، نبود ناهمسانی واریانس^{۱۶} و نبود هم‌خطی متغیرهای مستقل^{۱۷}) به ترتیب از روش ترسیمی و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^{۱۸}، آزمون لوین^{۱۹} و آماره عوامل افزایش واریانس^{۲۰} استفاده شده است.

الگوی پژوهش، که برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده به شرح ذیل است:

$$LNAUD.FEE_i = \beta_0 + \beta_1 BRD_i + \beta_2 OUT_i + \beta_3 MAJ_i + \beta_4 INDUS_i + \beta_5 GOVR_i + \beta_6 BANK_i + \beta_7 OPINION_i + \beta_8 AUDITOR_i + \beta_9 DISCLUSURE_i + \beta_{10} DIVIDEND_i + \beta_{11} LNASSETS_i + \beta_{12} SQSUB_i + \beta_{13} INVREC_i + \beta_{14} CASCLS_i + \beta_{15} YEAREND_i + \beta_{16} SWITCH_i + \varepsilon$$

برای بررسی اثر عوامل متعدد بر حق الزحمه خدمات حسابرسی، یک الگوی رگرسیون چند متغیره پیشنهاد شده است. در الگوی طراحی شده، متغیر وابسته، حق الزحمه حسابرسی (LNAUD.FEE) و متغیرهای مستقل مربوط به سازو کارهای راهبری شامل ۱- اندازه هیئت مدیره شامل (BRD) ۲- نسبت مدیران غیر موظف (OUT) ۳- درصد مالکیت سهامدار عمده (MAJ) ۴- درصد سهام شناور آزاد شرکت (INDUS) ۵- درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی (GOVR) ۶- تسهیلات دریافتی از بانکها (BANK) ۷- نوع اظهارنظر حسابرس مستقل (OPINION) ۸- نوع حسابرس (AUDITOR) ۹- افشای معامله با اشخاص وابسته (DISCLUSURE) ۱۰- پرداخت بموقع سود سهام (DIVIDEND) است. متغیرهای مستقل مربوط به عوامل عمومی الگو رگرسیون برآوردی شامل ۱- اندازه شرکت (LNASSETS) ۲- پیچیدگی، (SQSUB) ۳- ریسک حسابرسی (INVEREC) ۴- نسبت جاری شرکت (CASCLS) ۵- خاتمه سال مالی شرکت (YEAREND) و ۶- تغییر اخیر در مؤسسه حسابرسی (SWITCH) می باشد.

حق الزحمه حسابرسی، مبلغی است که شرکت طبق قرارداد با سازمان یا مؤسسه حسابرسی به منظور ارائه خدمات حسابرسی مستقل متحمل می شود. تعداد اعضای هیئت مدیره (BRD) با توجه به پنج یا هفت نفره بودن اعضای هیئت مدیره اندازه گیری شده است. نسبت مدیران غیرموظف (OUT) به صورت نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره، اندازه گیری شده است. درصد مالکیت سهامدار عمده (MAJ) به صورت بیشترین درصد سهام منتشر شده شرکت، که در اختیار سهامدار است، سنجش شده است. درصد سهام شناور آزاد مورد معامله شرکت (INDUS) به صورت درصدی از سهام متعلق به سرمایه گذاران خرد، که در بازار مورد معامله قرار می گیرد، محاسبه شده

است. درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی (GOVR) به صورت درصد سهام در مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی، اندازه گیری شده است. درصد تسهیلات دریافتی از بانکها (BANK) به صورت نسبت بدهی به بانکها به جمع داراییها اندازه گیری شده است. نوع اظهار نظر حسابرس (OPINION) به صورت مشروط و یا مقبول بودن گزارش حسابرس، به ترتیب با صفر و یک سنجش شده است. نوع حسابرس (AUDITOR) به صورت متغیر صفر و یک به ترتیب برای مؤسسه های خصوصی و سازمان حسابرسی سنجش شده است. میزان افشای معاملات با اشخاص وابسته (DISCLOSURE) نشاندهنده رعایت مفاد ماده ۱۲۹ قانون تجارت به صورت متغیر صفر در صورت عدم افشای کافی و یک در صورت افشای کافی در نظر گرفته شده است. پرداخت به موقع سود سهام (DIVIDEND) نشاندهنده رعایت ماده ۲۴۰ قانون تجارت به صورت متغیر صفر در صورت عدم پرداخت بموقع و یک در صورت پرداخت بموقع، در نظر گرفته شده است. به منظور تعدیل نوسانات و نرمال کردن برخی از متغیرهای پژوهش در الگو (پیش فرض برآورد الگوی رگرسیون) از لگاریتم طبیعی این متغیرها استفاده شده است. این متغیرها شامل حوالزحمه حسابرسی (متغیر وابسته)، ۱/۶ اندازه شرکت، ۵/۱۰ درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی و ۶/۱۰ تسهیلات دریافتی از بانکها است. برای مطالعه اثرگذاری متغیرهای کیفی شامل ۷/۱۰ نوع اظهار نظر حسابرس مستقل، ۸/۱۰ نوع حسابرس، ۹/۱۰ افشای معامله با اشخاص وابسته، ۱۰/۱۰ پرداخت بموقع سود سهام، ۵/۶ پایان سال مالی شرکت و ۶/۶ تغییر ظرف سه سال در مؤسسه حسابرسی از متغیرهای ساختگی صفر و یک استفاده شده است. سایر متغیرها نیز بدون تعدیلات به کار گرفته شده است.

یافته های پژوهش

نتایج آمار توصیفی داده های پژوهش به شرح جدول شماره ۲ است:

جدول شماره ۲: آمار توصیفی داده‌ها

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	حداقل	حداکثر
حق الزحمه حسابرسی (LNAUD.FEE)	۱۹,۲	۱۹,۶	۰,۶۹	۰,۹۶	۱۷,۹۹	۲۱,۸۸
اندازه هیئت مدیره (BRD)	۵,۰۹	۵,۰	۰,۵۵	۱,۵۹	۴,۰۰	۷,۰۰
نسبت مدیران غیرموظف (OUT)	۰,۸۳	۰,۸	۰,۵۷	۵,۶۹	۰,۲	۱,۰
درصد مالکیت سهامدار عمده (MAJ)	۰,۴۸	۰,۴۸	۰,۲۲	۰,۱۷	۰,۰۳	۰,۹۹
درصد مالکیت شرکتهای دولتی (GOVR)	۰,۲۴	۰,۲۱	۰,۳۴	۰,۰۱۶	۰,۰۵	۰,۱۰۰
نسبت تسهیلات دریافتی از بانکها (BANK)	۰,۲۹	۰,۲۷	۰,۲۷	۴,۹	۰,۰	۲,۹۶
متغیر ساختگی						
نوع اظهار نوع حسابرس (OPIN)		۱۲۶				۷۵
نوع حسابرس (AUD)		۱۵۲				۴۹
میزان افشای معامله (DISC)		۱۱۵				۸۶
پرداخت به موقع سود (DIV)		۱۸۷				۱۴

همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر و چولگی هر کدام از متغیرها برای ۲۰۱ مشاهده خلاصه شده است؛ برای مثال انحراف معیار حق الزحمه حسابرسی (متغیر وابسته) با توجه به حداقل و حداکثر مشاهدات آن، خیلی کم و حدود ۰,۷ است در حالی که پراکندگی داده‌های متغیر درصد سهام شناور آزاد با توجه به حداقل و حداکثر مشاهدات نسبتاً بیشتر و ۰,۳۴ است.

آزمون نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف انجام شد که نشان داد سه متغیر حق الزحمه حسابرسی (متغیر وابسته) ۵/۱۰ درصد مالکیت نهادهای دولتی و ۶/۱۰ تسهیلات دریافتی از بانکها نرمال نیست که بدین منظور از تبدیل لگاریتمی استفاده شد. یکی دیگر از پیش فرضهای رگرسیونی، آزمون همگونی واریانس باقیمانده‌ها است؛ بدین منظور، آزمون لوین انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است، از

آنجا که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال مشاهده شده ۰٫۸۳۵ است، لذا فرضیه همگونی واریانسها مورد تأیید است.

جدول شماره ۳: آزمون همگونی واریانسها

آماره لوین	d.f 1	d.f 2	Sig
۰٫۰۴۳	۱	۱۹۸	۰٫۸۳۵

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح جداول شماره ۴ و ۵ است. به منظور اطمینان از نبود هم خطی میان متغیرهای مستقل (پیش فرض رگرسیون) نیز از عامل افزایش واریانس VIF استفاده شده است. عوامل افزایش واریانس (VIF) برای i امین ضریب رگرسیون می‌تواند به صورت $VIF = 1/(1 - R_i^2)$ نوشته شود که در آن R_i^2 ضریب تعیین چندگانه رگرسیون است که با رگرسیون کردن متغیر X_i در برابر سایر متغیرهای مستقل یعنی $(i \neq j)$ ها به دست می‌آید. بنابراین هرچه هم خطی چندگانه در این رگرسیون مصنوعی بیشتر باشد، دقت برآورد ضریب β_i کمتر است. در جدول شماره ۵، اندازه‌های (VIF) به دست آمده زیر ۱۰ است، بنابراین نشان‌دهنده عدم هم خطی متغیرهای مستقل است.

جدول شماره ۴: یافته‌های آزمون فرضیه اصلی

فرضیه	F	Prob(F)	d.f	R	R^2	R^2_{adj}	نتیجه
سازو کارهای راهبری شرکتها بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است.	۱۲۹٫۶	۰٫۰۰۰	۱۹۸	۰٫۸۱	۰٫۶۷	۰٫۶۶	تأیید فرضیه

در بخش پیش اشاره شد که به منظور آزمون معنی دار بودن الگو از روش تحلیل واریانس (آزمون F) و برای آزمون معنی دار بودن ضرایب رگرسیون از آماره t استفاده شده است، نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد با توجه به مقدار Sig که از ۰٫۰۲۵ کمتر است؛ معنی داری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد به این معنا که ضرایب متغیرهای رگرسیون همزمان با هم صفر نبود.

جدول شماره ۵: یافته‌های آزمون فرضیه‌های فرعی

فرضیه	متغیر مستقل	β	t	Prob(t)	VIF	نتیجه
(۱)	BRD	-۰,۰۴	-۰,۸۶	۰,۳۹	۱,۰۲	تأیید نشد
(۲)	OUT	-۰,۰۷	-۱,۴۴	۰,۱۵	۱,۰۵	تأیید نشد
(۳)	MAJ	۰,۰۵	۱,۰۰	۰,۳۱	۱,۰۱	تأیید نشد
(۴)	INDUS	-۰,۰۳	-۰,۵۳	۰,۵۹	۱,۰۴	تأیید نشد
(۵)	LNGOVR	۰,۱۹	۳,۷۹	۰,۰۰	۱,۰۱	تأیید شد
(۶)	LN BANK	-۰,۰۱	-۰,۰۷	۰,۹۵	۱,۰۱	تأیید نشد
(۷)	OPION	۰,۱۰	۲,۰۶	۰,۰۴	۱,۰۵	تأیید نشد
(۸)	AUD	۰,۴۷	۱۰,۷	۰,۰۰	۱,۱۷	تأیید شد
(۹)	DISCL	-۰,۰۸	-۱,۵۵	۰,۱۲	۱,۰۱	تأیید نشد
(۱۰)	DIVID	-۰,۰۲	-۰,۳۵	۰,۷۲	۱,۰۲	تأیید نشد

آماره t محاسبه شده برای دو متغیر ۵/۱۰ درصد مالکیت نهادهای دولتی و ۸/۱۰ نوع حسابرس معادل ۰,۰۰ است که از ۰,۰۲۵ کوچکتر یعنی سطح معنی داری مورد قبول است. بنابراین فرضیه صفر رد، و فرض مقابل مبنی بر رابطه معنی دار بین حق الزحمه حسابرسی و دو متغیر مستقل یاد شده تأیید می‌شود. ضرایب دو متغیر مزبور به ترتیب ۰,۱۹ و ۰,۴۷ به دست آمد که نشان‌دهنده رابطه مستقیم و بیشتر بودن وزن این متغیرها نسبت به سایر متغیرهاست.

جدول شماره ۶: یافته‌های آزمون عوامل عمومی

نام متغیر	β	مقدار t	Prob(t)
LNASSETS	۰,۵۱	۱۱,۶۸	۰,۰۰
SQSUB	۰,۰۸	۱,۸۸	۰,۰۵
INVREC	۰,۰۳۴	۰,۷۸	۰,۴۳
CASCLS	۰,۰۱	۰,۲۴	۰,۸۰
YEAREND	۰,۰۰۳	۰,۰۷۸	۰,۹۳
SWITCH	-۰,۰۱۴	-۰,۳۱	۰,۷۵

در جدول مشاهده می‌شود از شش عامل عمومی اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی در این پژوهش، Sig دو عامل ۱/۶ اندازه شرکت و ۲/۶ پیچیدگی شرکت از ۰,۰۵ کمتر به دست آمده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۰ درصد، رابطه معنی‌دار بین این دو عامل و حق الزحمه حسابرسی مستقل تأیید می‌شود.

نتایج آزمون الگو کلی رگرسیون به روش گام به گام^{۲۱}، الگوی شامل ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته به شرح ذیل است:

$$LNAUD.FEE = 12.79 + 0.11LNGOV + 0.44AUD + 0.51LNASSETS + 0.09SQSUB$$

ضرایب ۵/۱۰ درصد مالکیت نهادهای دولتی، ۸/۱۰ نوع حسابرس، ۱/۶ اندازه شرکت و ۲/۶ میزان پیچیدگی، مثبت و به ترتیب برابر ۰,۱۱، ۰,۴۴، ۰,۵۱ و ۰,۰۹ است. بنابراین تغییر در LNAUD.FEE همسو با تغییر در درصد مالکیت نهادهای دولتی، نوع حسابرس، اندازه شرکت و میزان پیچیدگی است. همبستگی این الگوی رگرسیون (جدول شماره ۴) نشان‌دهنده رابطه خطی مستقیم و قوی بین متغیرهای مستقل الگو با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) است. هم‌چنین ضریب تعیین الگو (R^2) برابر ۰,۶۷ به دست آمده است که نشان می‌دهد ۶۷ درصد از تغییرات در حق الزحمه حسابرسی توسط متغیرهای مستقل آمده در الگو تبیین می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است اثر ساز و کارهای راهبری شرکتها در قالب عوامل درون سازمانی و برونسازمانی بر حق الزحمه حسابرسی مطالعه شود. نتیجه پژوهش نشان داد از متغیرهای تبیین‌کننده نظام راهبری در این پژوهش، دو متغیر ۱-درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی ۲- نوع حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها اثری معنی‌دار دارد. جهت این رابطه‌ها مستقیم بوده است؛ به طوری که هرچه سهام در اختیار نهادهای

دولتی و شبه دولتی بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسی بیشتر می شود. سایر یافته های پژوهش به شرح زیر است:

الف) عوامل عمومی اثرگذار بر حق الزحمه حسابرسی

الف-۱) متغیرهایی که رابطه آنها با حق الزحمه حسابرسی تأیید شده است:

۱) از نظر آماری لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع داراییها (LNASSETS) با حق الزحمه حسابرسی (LNAUD.FEE) رابطه مستقیم دارد. از آنجا که شرکت های بزرگ با خطرپذیریهای گوناگون و زیادی ناشی از محیط فعالیتشان برخورد می کنند، حسابرسی چنین شرکت هایی نیز با بیشتری انجام می شود. به علاوه در ادبیات نظری این موضوع مستند شده است که حق الزحمه های حسابرسی به طور معنی داری با اندازه واحد مورد رسیدگی ارتباط دارد.

۲) متغیر پیچیدگی شرکت که با تعداد واحدهای فرعی در کنترل شرکت اندازه گیری می شود با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه مستقیم دارد. افزایش واحدهای فرعی در کنترل شرکت باعث افزایش حجم کار حسابرسی و موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود.

الف-۲) متغیرهایی که رابطه آنها با حق الزحمه حسابرسی تأیید نشده است:

۱) از نظر آماری نسبت مجموع حسابهای دریافتنی و موجودیها به مجموع داراییها (INVREC)، که نشان دهنده خطرپذیری حسابرسی است با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معنی داری ندارد.

۲) نسبت جاری (CASCLS)؛ بیانگر وضعیت مالی شرکت با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معنی داری ندارد. این نتایج حاکی است که در تعیین مبلغ حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها سه نسبت یاد شده اهمیتی ندارد. در نتیجه عوامل دیگری در تعیین این مبلغ در شرکت های ایرانی اثرگذار است.

۳) پایان سال مالی (YEAREND) با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معنی داری ندارد. شاید بتوان گفت به دلیل پراکندگی سال مالی شرکتهای مورد آزمون، پایان سال مالی آنها به پایان سال شمسی یا مقطعی دیگر، عاملی تعیین کننده در میزان حق الزحمه حسابرسی نیست. ۴) تعویض حسابرس ظرف سه سال اخیر (SWITCH) با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معنی داری ندارد.

ب) شاخصهای راهبری شرکتهای

ب-۱) متغیرهایی که رابطه آنها با حق الزحمه حسابرسی تأیید شده است:

۱) از نظر آماری درصد مالکیت نهادهای دولتی (LNGOVR) با حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه مثبت معنی دار دارد. به دلیل ساختار دولتی اقتصاد کشور ایران و همچنین نقشی که دولت به عنوان سهامدار در بسیاری از شرکتهای بر عهده گرفته است، انتظار نوعی کنترل بر فعالیت شرکتهای با سهامدار دولت و نهادهای دولتی وجود دارد. در این صورت حسابرس با آگاهی از داشتن سهامدار دولتی، دامنه کار گسترده تر را برنامه ریزی می کند و نیز خطرپذیری حسابرسی بیشتر می شود؛ لذا حسابرس حق الزحمه بیشتری را درخواست می کند.

۲) نوع حسابرس با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه مستقیم دارد. سازمان حسابرسی به عنوان نهادی دولتی در بازار ارائه خدمات، پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه ای از حاشیه امنیتی برخوردار است. با این شرایط این سازمان، همانند چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی دنیا، که براساس برخی از مطالعات صورت گرفته به نسبت سایر رقیبان در عرصه بین المللی دارای صرفی در حق الزحمه خدمات حرفه ای هستند در بازار خدمات حسابرسی در ایران به نسبت رقیبان حق الزحمه بیشتری دریافت می کند. بنابراین نوعی انحصار در ارائه و قیمتگذاری خدمات توسط سازمان حسابرسی وجود دارد. ب-۲) متغیرهایی که رابطه آنها با حق الزحمه خدمات حسابرسی تأیید نشده است:

۱) اندازه هیئت مدیره (BRD) با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری ندارد. طبق مفاهیم نظری، هیئت مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا کاردانی و صلاحیتی را به دست بیاورد که خاص این وظیفه باشد. به نظر می‌رسد در شرکتهای ایرانی تعداد و ترکیب اعضای هیئت مدیره در شرکتها نتوانسته است باعث اجرای نظارت دقیقتر از سوی هیئت مدیره خود و حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش دهد.

۲) از نظر آماری نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره (OUT) با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه معنی‌دار ندارد. طبق مفاهیم نظری، کمیته حسابرسی نقش انتخاب حسابرس مستقل را دارد، اما وضعیت حاکم بر ساختار سازمانی شرکتها در ایران، موجب شد است وجود صوری اعضای غیرموظف هیئت مدیره نتواند به عنوان ساز و کار راهبری شرکت، همانند یک عامل بازدارنده و کاهنده پیچیدگی عملیات واحد اقتصادی عمل کند و بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی اثرگذار باشد.

۳) درصد سهام اولین سهامدار عمده (MAJ) با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری ندارد. سهامدار عمده، که فعالانه درگیر عملیات و تصمیم‌گیری است، می‌تواند نقش کنترلی بر فعالیتها و کنترل داخلی در شرکت داشته باشد و به این وسیله باعث کاهش حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شود. در شرکتهای ایرانی نبود این رابطه به این معنی است که وجود سهامدار عمده به رغم قدرت نفوذ خود، نمی‌تواند نقش نظارتی و کنترلی در شرکت ایفا کند.

۴) درصد سهام شناور آزاد (INDUS) با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری ندارد. این شاخص جزء ساز و کارهای مربوط به نقش بازار در راهبری شرکتها است. نبود رابطه در این زمینه نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری سهامداران خرد در سیاستهای کنترلی شرکت و نشانه عدم توسعه بازارهای سرمایه و زیاد بودن سهم دولت در اقتصاد ایران است.

۵) بین نسبت تسهیلات دریافتی از بانکها به جمع داراییها (BANK) و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌دار نیست؛ چرا که عمده اعتباردهندگان در ایران به شکل دولتی و یا شبه دولتی هستند و هم‌چنین چگونگی تخصیص اعتبار صرفاً براساس تصمیمات کلان دولت

و به شکلهای محدودی صورت می‌گیرد. بر این اساس چنین اعتباردهندگانی در تعامل با متقاضیان اعتبار، قدرت کنترلی و نظارتی محدودی دارند و نمی‌توانند موجب ایجاد وضعیت متفاوتی در حجم و پیچیدگی عملیات واحدهای تجاری شوند.

۶) بین نوع اظهارنظر حسابرس (OPINION) و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌دار نیست. نبود این رابطه بیانگر وجود استقلال حسابرس است و اینکه حق الزحمه‌های دریافتی توسط حسابرس تحت تأثیر نوع اظهارنظر آنها قرار نمی‌گیرد.

۷) بین میزان افشای معامله با اشخاص وابسته (DISCL) و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری نیست. انتظار می‌رود در صورت افشای کافی و رعایت ماده ۱۲۹ قانون تجارت توسط شرکت و تأیید این موضوع در گزارش حسابرسی، حسابرس خطرپذیری بیشتری را بپذیرد و حق الزحمه وی بیشتر شود. نتایج پژوهش چنین نتیجه‌ای را تأیید نکرد.

۸) از نظر آماری بین میزان پرداخت بموقع سود سهام (DIVID) و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری نیست.

در نمایی کلی می‌توان گفت متغیرهای مربوط به نقش هیئت مدیره (اندازه هیئت مدیره و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره)، رعایت حقوق سهامداران (پرداخت بموقع سود سهام و افشای معامله با اشخاص وابسته) و نقش بازار (سهام شناور آزاد شرکت) با حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری نشان نداد. با توجه به این امر و هم‌چنین ساختار و سامانه راهبری شرکتها در ایران، می‌توان چنین استنباط کرد که این سیستم بیش از اینکه از ویژگیهای سامانه برونسازمانی و متکی بر رقابت آزاد برخوردار باشد با سیستمهای درون سازمانی مناسب بیشتری دارد که این امر با توجه به وضعیت اقتصادی موجود و عدم توسعه بازارهای سرمایه و نبود اقتصاد رقابتی دور از انتظار نیست. هم‌چنین مقوله نظام راهبری شرکتها در ایران جوان، و بخشهایی از آن بخوبی درک نشده است. در پژوهشهای پیشین انجام شده توسط رجیبی و محمدی (۱۳۸۷) و رهبری خرازی (۱۳۸۵) نیز نتایج مشابهی به دست آمده است. در سایر کشورها اغلب پژوهشها رابطه معنی‌دار بین نظام راهبری شرکتها

و حق الزحمه حسابرسی را نشان داده است. شاید دلیل این نتایج، قدمت به کارگیری نظام راهبری در آن کشورها باشد.

با توجه به اثرگذار نبودن عمده عوامل نظام راهبری بر حق الزحمه حسابرسی مستقل به نظر می‌رسد عوامل دیگری در شرکتهای ایرانی هست که بر قیمتگذاری خدمات حسابرسی تأثیر دارد. این وضعیت نشان می‌دهد حسابرسی مستقل در ایران به عواملی غیر از عوامل نظام راهبری آزمون شده در این پژوهش در قیمتگذاری خدمات خود توجه می‌کنند. می‌توان در پژوهشهای آینده به دنبال آنها بود و اثرگذاری آنها را بر حق الزحمه حسابرسی مستقل آزمون کرد.

پیشنهادها

- ۱- مؤسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی می‌توانند به منظور برآورد اولیه از حق الزحمه خدمات حسابرسی از الگوی برآوردی معادله شماره ۲ استفاده کنند.
- ۲- طبق نتایج به دست آمده درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی با حق الزحمه حسابرسی به طور مستقیم رابطه دارد. لذا به نظر می‌رسد. با تغییر در مالکیت سرمایه شرکت، هزینه حسابرسی تغییر کند.
- ۳- نتایج پژوهش نشان می‌دهد حق الزحمه دریافتی توسط سازمان حسابرسی به طور قابل ملاحظه‌ای از سایر مؤسسه‌های حسابرسی بیشتر است، این موضوع می‌تواند نشانگر نوعی انحصار در ارائه خدمات حسابرسی، احتمالاً به صورت نرخ انحصاری بیشتر یا کارایی کم توسط سازمان حسابرسی باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود به منظور رقابتی شدن بازار خدمات حسابرسی، حذف پیامدهای ناهنجار انحصار و حصول مزایای وضعیت رقابتی از جمله بهبود کیفیت و واقعی شدن قیمت‌ها با بازنگری در قوانین و مقررات سازمان حسابرسی به عنوان نهادی دولتی از شکل ارائه‌کننده خدمات حسابرسی به صورت مرجع دولتی، نظارت بر بازار خدمات حسابرسی تغییر کند.

یادداشتها:

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| 1- Corporate Governance | 2- Multidisciplinary |
| 3- Tradeoff | 4- Hay, Knechel and Ling |
| 5- Cohn and Hanno | 6- Tsui, Jaggi and Gul |
| 7- Bedard and Johnstone | 8- Griffin, Lant and Sun |
| 9- Carcello | 10- O'Sullivan |
| 11- Fan and Wong | 12- Abbott |
| 13- Tricker | 14- Co relational research |

منابع و مأخذ

- آذر، عادل و منصور مؤمنی (۱۳۸۷)، *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، تهران، انتشارات سمت.
- بنویدی، مجید (۱۳۸۵)، *حاکمیت شرکتی، تازه‌های جهان بیمه*، شماره ۹۶، ص ۲۱-۳.
- بولو، قاسم (۱۳۸۵)، *نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود، ماهنامه بورس*، شماره ۸، ص ۵۲-۱۱.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵)، *حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابرسان*، شماره ۳۲، ص ۳۹-۳۲.
- حساس یگانه، یحیی و معیری، مرتضی (۱۳۸۷)، *حاکمیت شرکتی، حسابرسان و کمیته حسابرسان، فصلنامه حسابرسان*، سال بیست و سوم شماره ۲۰۰، ص ۶۶-۵۷.
- حساس یگانه، یحیی و علوی طبری، سیدحسین (۱۳۸۳)، *رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسان داخلی و مخارج حسابرسان مستقل، فصلنامه مطالعات حسابداری*، سال اول شماره ۴، ص ۸۲-۷۲.
- رجبی، روح‌الله و محمدی خشوئی، حمزه (۱۳۸۷)، *هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسان مستقل، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسان*، دوره ۵، شماره ۵۳، ص ۵۲-۳۵.
- رهبری خرازی، مهسا (۱۳۸۵)، *مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مقایسه آن با کشورهای جهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی*.
- سرمد، زهره و بازرگان، الهه و حجازی، الهه (۱۳۸۱)، *روش تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه.

- شهبازی، منصوره (۱۳۸۸)، تأثیر نظام راهبری شرکتها بر حق الزحمه حسابرسی مستقل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا.
- عزیززاده، طاهره (۱۳۸۷)، اصول راهبری شرکتها شرکت و مفهوم آن در شرکتهای چندملیتی، فصلنامه حسابرس، سال دهم، شماره ۴۱، ص ۸۷-۸۰.
- مجتهدزاده، ویدا؛ علوی طبری، سیدحسین و ناهید صفایی (۲۰۰۹)، راهبری شرکتها و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ارائه شده در دهمین کنفرانس بین المللی AAAA و دانشگاه کدیرحز ترکیه و چاپ شده در مجموعه مقالات. - نوروسیسی، ماریا جی (۱۳۷۸)، آموزش آنالیز داده ها با SPSS#8. [اکبر فتوحی]، تهران. انتشارات کانون نشر علوم، [۱۳۸۳].

- Abbott, L. J., Parker, S. and Raghunandan, P. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Journal of Practice and Theory*, Vol. 22, pp:17-32.
- Bedard, J. C. and Johnstone, K. M. (2004). Earnings Manipulation Risk, Corporate Governance Risk, and Auditors' Planning and Pricing Decisions. *The Accounting Review*, Vol. 79, No. 2. pp. 277-304.
- Carcello, J. V.; Hermanson, D. R. and Neal, T. L. (2002). Board Characteristics and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, Vol.19, pp. 365-384.
- Cohen, J. R. and Hanno, D. M.(2000). Auditors' Consideration of Corporate Governance and Management Control Philosophy in Preplanning and Planning Judgments. *A Journal of Practice and Theory*, Vol. 19, No 2.
- Fan, J. P. and Wong, T.J. (2005). Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, Vol 43. pp. 35-72.
- Griffin, P., Lant, D. H. and Sun, Y. (2008). Corporate Governance and Audit Fees :Evidence of Countervailing Relations. *Working Paper*, available on www.ssrn.com.
- Hay, D., Knechel, R. and Ling, H. (2008). Evidence on the Impact of Internal Control and Corporate Governance on Audit Fees. *International Journal of Auditing*, Vol. 12. pp. 9-24.
- Nikkinen, J. and Sahlstrom, P., (2005) Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk. *Advances in International Accounting*, Vol. 19, pp. 141- 151.

- O'Sullivan, N., (2000). The impact of board composition and ownership on audit quality: evidence from large UK companies. *The British Accounting Review*, Vol 32 , No. 4, pp. 397-414.
- Tsui, J. L., Jaggi, B. and Gul, F., (2001) CEO Domination, Growth opportunities and their impact on Audit Fees. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 52, pp. 189 – 208.

